خبر

گردهمایی نوجوانان پیشران برگزار شد

اولین دورهمی هسته‌های نوجوانان پیشران با حضور ۴۰۰ نوجوان در قالب ۴۰ هسته فعال در سالن شهید فهمیده برگزار شد.

به گزارش «جوان» به نقل از روابط عمومی جنبش نوجوانان پیشران، در این مراسم سیدمحمدمهدی موسوی، دبیرکل این جنبش گفت: اولین دورهمی نوجوانان پیشران با حضور گرم شما عزیزان از شهرستان‌های مختلف استان تهران از جمله ورامین، اسلامشهر، رباط کریم، پاکدشت، شهر ری و... خونی تازه در رگ‌های جنبش ایجاد کرد تا در آخرین روزهای زمستان به فکر برنامه‌های خوب در روزهای بهاری سال که با شمیم ایام ماه رجب، شعبان و رمضان همراه است، باشیم.

جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۶۱۷ | دوشنبه ۲۷ اسفند ۱۳۹۷ | ۱۱ رجب ۱۴۴۰ | اذان ظهر: ۱۲:۱۳ |
غروب آفتاب: ۱۸:۱۴ | اذان مغرب: ۱۸:۳۲ | نیمه شب شرعی: ۲۳:۳۰ | اذان صبح فردا: ۴:۴۷ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۱۰

راه سعادت

حکمت ۱۴۰

آن که میانه‌روی کند تهیدست نخواهد شد.

تغییر روش‌ها و نگرش‌ها پیش‌نیاز گام دوم

نظام فرهنگی کشور بدون ارتقا و درونی کردن اخلاق و معنویت موفقیتی حاصل نخواهد کرد

■ جواد محرمی

برای گام دوم انقلاب باید برنامه داشت، باید فکرهای تازه را بازی داد، درباره برخی رویکردها بازنگری کرد، زمینه مشارکت نیروها و افکار جوان را فراهم کرد، در شیوه‌های تکراری و امتحان‌پس‌داده بازنگری کرد و در تولید محتوای فرهنگی قلب‌ها را نشانه گرفت و طرحی نو درانداخت.

انقلاب اسلامی بیش از هر چیز انقلابی فرهنگی است و گام دوم انقلاب نیز اگر در عرصه فرهنگ و هنر جدی گرفته شود می‌تواند به پیش رفتن اهداف انقلاب کمک کند. امروز و پس از گذر از ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی در عرصه فرهنگ و هنر اگر چه با نقطه آرمانی فاصله زیادی داریم اما واقعیت این است که پیش‌نیاز هر پیشرفتی با تحول فرهنگی امکانپذیر است. برای همین به نظر می‌رسد صداوسیما، سینما و مراکز مختلف فرهنگی کشور بیش از دیگران باید برای ایجاد تحول در روش‌ها و احتمالاً برخی بینش‌ها احساس تکلیف کنند.

به جرئت هیچ چیز به اندازه رشد معنویت و اخلاق در کشور یا به معنای دیگر رشد فرهنگ عمومی نمی‌تواند زمینه‌ساز تحقق اهداف دیگر انقلاب باشد. این یک سؤال کلیدی است که امروز نسبت تولیدات فرهنگی و هنری کشور که حجم قابل توجهی از آن به واسطه بودجه‌های عمومی ساخته می‌شوند تا چه اندازه در رشد معنویت و اخلاق نقش‌آفرین هستند. به طور قطع این موضوع با شاخص‌های کمی قابل احصا نیست اما تا حدودی می‌توان درباره نسبت تولیدات با مسئله ارتقای اخلاق و معنویت نظر داد. در گام دوم انقلاب رشد فضایل اخلاقی و معنوی اگر محور امور نباشد نمی‌توان نسبت به هیچ گونه پیشرفت مادی خوش‌بین بود.

رهبری معظم انقلاب در بیانیه‌ای که اخیراً با عنوان گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران نوشتند به این مسئله اینگونه اشاره می‌کنند: «معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتمادبه‌نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هر چه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد، این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند، با کانون‌های ضدمعنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند. ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضدمعنویت و ضداخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره پیش‌رو باید در این باره‌ها برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود.»

نظام فرهنگی کشور باید گام دوم را محکم‌تر و حساب‌شده‌تر بردارد. پیش‌نیاز این مسیر روحیه جهادی و انقلابی و فهم اقتضائات و پیچیدگی‌های فرهنگی است

برای گام دوم انقلاب زمانی زمینه بروز و ظهور بهتر فراهم می‌شود که انقلابی درونی در آحاد جامعه ایجاد شود. برای درونی کردن فضایل اخلاقی و معنوی بی‌تردید دستگاه‌ها و مراکز فرهنگی لازم است در شیوه‌ها و روندهای خود تجدیدنظر کرده و روش‌های تکراری و امتحان پس داده را کنار بگذارند و از شیوه‌های به‌روزتری که توان ایجاد ارتباط با نسل جوان با اقتضائات جدید را دارند استفاده کنند، برای گام بعدی باید برنامه داشت، فکر کرد، درباره برخی رویکردها بازنگری کرد، فکرها و نیروهای جوان را بازی داد و طرحی نو درانداخت.

آنچه رهبری انقلاب در بیانیه گام دوم درباره اهمیت سبک زندگی به آن اشاره می‌کنند به واقع اهمیت محوری موضوع فرهنگ و تکلیف انقلابی دستگاه‌های متولی فرهنگ را تذکر می‌دهد؛ «سخن لازم در این‌باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامی‌گذارم و به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است. مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌هاست.

امروز لازم است دستگاه‌هایی چون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صداوسیما و مراکز مختلف فرهنگی بودجه‌خوار کشور که بخش قابل توجهی از امکانات را در اختیار دارند خود را مخاطب جدی بیانیه گام دوم رهبری معظم انقلاب درباره انقلاب بدانند و برای ایجاد تحول در روش‌ها به طور حساب شده و علمی اقدام کنند. نظام فرهنگی کشور باید گام دوم را محکم‌تر و حساب‌شده‌تر بردارد. پیش‌نیاز این مسیر روحیه جهادی و انقلابی و فهم اقتضائات و پیچیدگی‌های فرهنگی است.

محسن علی‌اکبری تهیه‌کننده سریال «نفوذ» از توقف فیلمبرداری این سریال خبر داد

مدیران سیما برای حل مشکلات «نفوذ» وقت ندارند!

■ سیدمرتضی ذاکر

تهیه‌کننده سریال «نفوذ» ضمن گلایه از رفتار مدیران سیما با این سریال استراتژیک مدعی شد که الان مدتی است سریال تلویزیونی «نفوذ» متوقف شده و مدیران سیما وقت نمی‌گذارند تا مشکل یک اثر انقلابی در تلویزیون حل شود.

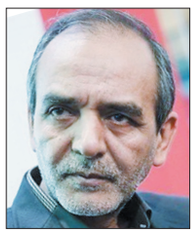

در آستانه ۴۰ سالگی انقلاب سریالی با نام «خط تماس» که به «نفوذ» تغییرنام داده است روی آنتن شبکه یک سیما رفت ولی این سریال ۴۰ قسمتی است و تصویربرداری آن متوقف شده که گلایه محسن علی‌اکبری و جواد شمقدری را به دنبال داشته است. علی‌اکبری در مقام تهیه‌کننده این سریال به تسنیم گفت: «نفوذ» یک سریال ۴۰ قسمتی است و چهار ماه از تصویربرداری ما باقی مانده اما به دلیل مشکلات مالی کار متوقف شده است. درخواست یک جلسه برای رفع مشکلات با معاون سیما داشته‌ایم اما هنوز این اتفاق نیفتاده است. منتظریم ببینیم که دست‌اندرکاران امر چه زمانی وقت آزاد پیدا می‌کنند تا برای انقلاب و سوژه تسخیر لانه جاسوسی وقت بگذارند! «نفوذ» تنها سریالی است که مستقیماً به انقلاب و تسخیر لانه جاسوسی امریکا پرداخته است.

وی افزود: اگر وقفه‌مان به سال دیگر برسد ادامه کار سخت خواهد شد. شاید خود من در وهله اول استعفا کنم، مدیران باید پروژه استراتژیک سازمان صداوسیما را مساعد کنند، برخی که مدعی انقلابی‌گری هستند و از این سوژه‌ها استقبال می‌کنند شایسته است حمایت‌های لازم را انجام دهند تا این پروژه به سرمنزل برسد. ما از معاون سیما انتظار داشتیم در طول این ۱/۵ سال که مشغول کار هستیم یک بار سر پروژه می‌آمدند یا حداقل یک تماس برقرار می‌کردند.

ولیکن رئیس سازمان صداوسیما سر صحنه آمدند و این بازدید باعث شد تا ۱۰ قسمت از «نفوذ» روی آنتن برود. امیدواریم هرچه زودتر مشکلات حل شود تا ۴۰ قسمت «نفوذ» آماده نمایش شود.

علی‌اکبری در پاسخ به این سؤال که چرا سریال‌ها برای مخاطب امروز نوستالژی بشوند، تأکید کرد: خوشبختانه هنرمند و سوژه به اندازه کافی داریم اما ارتباط مدیران با هنرمندان بسیار ضعیف شده است، شاید یکی از دلایل اصلی نرسیدن به نتیجه سوژه‌های آثار تلویزیونی همین نکته باشد. مدیری که هیچ شبکه تلویزیونی را نمی‌بیند قطعاً نمی‌داند باید با فیلمساز چه برخوردی داشته باشد یا از هنرمند چه اثری را مطالبه کند. پیش از این تعاملات با مدیران بهتر بود و حتی خودشان مستقیماً با تهیه‌کنندگان تماس داشتند. متأسفانه یکی از مدیران رسانه ملی با من تماس نگرفت تا درباره ۱۰ قسمت «نفوذ» صحبتی انجام دهد. برخی از مدیران هم گفتند وقت نکردیم این سریال را ببینیم، در جشنواره فیلم فجر فیلم نگاه می‌کردیم! حتی ناظر کیفی هم فیلم را ندیده بود و از من خواست ۱۰ قسمت را روی دی‌وی‌دی بریزم. قطعاً با این نوع رفتارها، برای من و امثال من چه روحیه و انگیزه‌ای برای کار می‌ماند.

جشنواره شاد دفاع مقدس برای ۲۰هزار دانش‌آموز گچسارانی

در ادامه برگزاری جشنواره‌های شاد دانش‌آموزی فیلم دفاع مقدس با محوریت مناطق محروم و آسیب‌دیده در کشور، پانزدهمین دوره این جشنواره به مدت دو هفته در شهرستان گچساران و دهستان‌های امامزاده جعفر(ع)، دیل، خیرآباد، لیشتر و روستاهای تابعه برگزار گردید که در مجموع بیش از ۲۰هزار دانش‌آموز و معلمین آنان از این برنامه‌ها به صورت کاملاً رایگان استفاده کردند.

هدف از برگزاری این جشنواره‌های خودجوش و مردمی که با همکاری هنرمندان عرصه‌های مختلف هنری و جانبازان دفاع مقدس در حال انجام است، ایجاد نشاط و بالابردن سطح آگاهی دانش‌آموزان نسبت به مقوله وطن‌دوستی، صلح و مجاهدت‌های رزمندگان اسلام به دور از کلیشه‌های رایج رسمی و به دور از هرگونه سخنرانی و فعالیت‌های صرفاً مسئول محور قبلی می‌باشد. از ابتکارات جدید اجرا شده در این دوره از جشنواره

در روستاها، فیلمبرداری هوایی از مناطق بکر طبیعی و منازل و نمایش آن در شروع هر سانس برای دانش‌آموزان همان منطقه با هدف شناخت بیشتر از زیبایی‌های ناشناخته هر روستا و ایجاد سؤال و کنجکاوی و علاقه بیشتر به موطن در ذهن این عزیزان بود که بسیار مورد استقبال قرار می‌گرفت.

یادداشت | سینا واحد

اصل «لبیک یا حسین»

جنگ سرزمینی ایران یا دفاع مقدس بی‌گمان یکی از حوادث بزرگ منطقه غرب آسیا یا «خاورمیانه» است و از آن جهت که سرنوشت تاریخی جهان به سرنوشت خاورمیانه وصل شده است، پس باید گفت این جنگ سرزمینی، بزرگ‌ترین حادثه تاریخی سال‌های پایان‌بخش قرن بیستم به‌شمار می‌رود، بنابراین نگاه کردن تاریخی به این حادثه بزرگ و خونین و پرفراز و نشیب، توسط هر هنرآفرینی و هر نویسنده و مورخ و پژوهنده‌ای باید «جهانی» باشد و فاصله پیدا کردن با آن به هر دلیل و توجیهی که باشد، فاصله پیدا کردن با «منطق تاریخی» و «هویت دینی» و «اندیشه حسینی و عاشورایی» ایران‌زمین خواهد بود و این عیب یا نقیصه و کمبود بیش از هر چیزی به شخصیت واقعی جنگ و جنگاوران سلحشور آن لطمه خواهد زد و از قدرت نفوذگرانه آن، در فرآیندهای «تولید و مصرف فرهنگی» خواهد کاست.

هر هنرمند و کارگردان و سینماگری، باید به این اصل تاریخی و دگرگون‌کننده سرنوشت تاریخی خاورمیانه، یعنی اصل «لبیک یا حسین» ایمان داشته باشد و همراه با این اصل، آن را یک «نیاز راهبردی تمدن امروز بشری» بداند و یقین داشته باشد که هرچه ارزش‌های جهانی و اندیشه بشری، به سوی این اصل تحول‌آفرین و دگرگون‌ساز، یعنی اصل «لبیک یا حسین» نزدیک شود، می‌تواند از «بنیادهای فساد» و «سازمان‌های فرهنگی فسادپرستانه» و پشتیبانان مقتدر دولت‌ساز و کارگردانان فسادآفرین و خشونت‌آفرین جامعه جهانی دور شود و از سقوط و فروغلتیدن در «پایانه‌های پرآتش و پرسوزش و پردرد» تمدن امروز بشری نجات یابد.

«گاندی» با پذیرش این اصل بزرگ تاریخی توانست «انقلاب هند» را رهبری کند و با تولید قدرتمندانه وحدت مابین «هندوها» و «مسلمانان» آن را به ساحل استقلال برساند و شر امپراطوری انگلیس را از جامعه و سرزمین هند، قطع کند.

«علامه اقبال لاهوری» با پذیرش اصل «لبیک یا حسین» توانست هویت تاریخی مسلمانان هند را حفظ کند و با پناه بردن به «هویت دینی» از غرق شدن در اندیشه و تمدن غربی، عصر خویش و نسل خویش را پشتیبانی تاریخی کند و نگاه و بینش «سرزمین پرغرور مسلمان» را تولید کند و به نسل خویش هدیه نماید.

شکست تاریخی و کمرشکنانه اندیشه پرقدرت «کمونیسم» و «ماتریالیسم دیالکتیک» در ایران آغاز قرن بیستم، در حقیقت زانو زدن آن در برابر منطق پرقدرت عاطفی و انسانی «لبیک یا حسین» است و نیز...

آری، همین اصل میهن‌ساز است که همچون روحی بزرگ و ترس ناشناس و امیدساز، در همه صحنه‌های نبرد سلحشورانه جنگ سرزمینی، حاضر گشت و با قدرت‌بخشی بی‌پایان، نسل دفاع‌گر و جنگنده را از هر ترس و هراسی، بیرون آورد و تکنولوژی برتر و سلاح‌های پیشرفته دشمن را بی‌خاصیت کرد و همراه شدن و همسو شدن و هم‌زبان شدن با «لبیک یا حسین» را مهم‌ترین سلاح میدان نبرد ساخت و در برابر دیدگان جهان و جهانیان، قدرت همیشه پیروز «لبیک یا حسین» را به نمایش گذاشت، بنابراین هرگز نباید فراموش کرد که اصل «لبیک یا حسین» اصل تاریخی استراتژیک و پیش‌برنده نسل انقلاب و نسل فرداساز و همیشه بهجت‌آفرین است.

دریچه

پول تلویزیون را خرج کارگردان‌های ورشکسته نکنید

سرمایه‌گذاری غیرمنطقی روی کیومرث پوراحمدی که دیگر توان، انگیزه و تمرکز ۲۰ سال پیش را ندارد

■ محمدصادق عابدینی

تهیه‌کننده سریال «سرنخ ۲» از تکمیل نیمی از فیلمنامه این سریال توسط کیومرث پوراحمد خبر داده است؛ کارگردانی که سال‌هاست در تلویزیون فعالیتی نداشته و تمام تجربه‌های سینمایی‌اش در یک دهه اخیر با شکست مطلق تجاری روبه‌رو شده است.

کیومرث پوراحمد در چند سال اخیر فیلم‌های «۵۰ قدم آخر»، «کفش‌هایم کو؟» و «تیغ و ترمه» را ساخته که هیچ کدام فیلم‌های موفقی نبوده‌اند. در چنته او نه فقط تعهد که دیگر از تخصص هم خبری نیست.

علاقه افراطی تلویزیون به کارگردان‌های ورشکسته عادی به نظر نمی‌رسد، برای مثال صداوسیما پس از به گل نشستن سریال سرزمین کهن ساخته کمال تبریزی که به آشوب در برخی شهرهای لرنشین و غیرقابل پخش شدن آن منجر شد، سریال دیگری به او سپرده که به گفته معاون سیما به دلیل کیفیت پایین در میانه‌های راه متوقف شده است.

این اشتباه‌ها در حالی رخ می‌دهد که صداوسیما طی سال‌های اخیر با تنگنای مالی زیادی مواجه بوده است.

حالا ظاهراً نوبت کیومرث پوراحمد است که تلویزیون به او جایزه بدهد آیا قرار است با قرار دادن بودجه ساخت سریال جدید به چنین کارگردانی که فیلم‌هایش در جشنواره فیلم فجر باعث استهزا شده و منتقدان آثار وی را مادون فیلم می‌دانند، بودجه‌ای که به سختی به دست می‌آورد را به هدر دهد؟! تجربه صداوسیما در همکاری با کارگردان‌های بیکار شده سینما که به خاطر شکست‌های تجاری آثارشان کمتر تهیه‌کننده‌ای رغبت به همکاری و سرمایه‌گذاری برای تولید فیلم با آنها دارد، نشان داده آنهایی که در سینما حرفی برای گفتن نداشته باشند در تلویزیون به قهقرا می‌روند.

سریال‌های شکست خورده در تلویزیون کم نیستند؛ مجموعه‌هایی که آنقدر بد بوده‌اند که در بازپخش مجموعه‌های تلویزیونی هم نامی از آنها دیده نمی‌شود. با وجود اهمیت بحث بودجه، موضوع مهم‌تری درباره همکاری با برخی از چهره‌های بیکار و ورشکسته در سینما وجود دارد و آن بحث تعهد است.

اینکه سیمافیلم به این نکته واقف نیست که پوراحمد اکنون توان، انگیزه و تمرکز ۲۰ سال پیش را ندارد جای تعجب دارد. صداوسیما در سفارش تولید سریال به این کارگردان، چقدر به میزان تعهد و البته تخصص وی توجه کرده است. کیومرث پوراحمد سال‌هاست تلاش می‌کند خود را یک فعال سیاسی با چهره اپوزیسیون نشان دهد. از میتینگ‌های سیاسی گرفته تا مراسم ختم، هر کجا فرصت صحبت به او می‌رسد، پنجه‌ای نیز بر صورت انقلاب می‌کشد؛ «در ۴۰ سال گذشته کدام روز ما روز خوبی بوده؟ این خشایار الوند، یک منافق واقعی بود چون مردم را می‌خنداند. خنده یا مکروه یا حرام است. یکی از این دو تاست. رقص و شادی مکروه یا حرام است» یا «در ۴۰ سال گذشته ما همش در برهه حساس بودیم و باید خفه‌خون می‌گرفتیم، نمی‌خندیدیم. سرمان در لاک خودمان بود» یا «یکی از بدترین قوانین کشور حضور نداشتن زنان در ورزشگاه‌ها و بحث حجاب است. نمی‌دانم این پافشاری از کجا آمده است و چرا با این مسائل هنوز نتوانسته‌ایم کنار بیاییم» یا حتی صداوسیما را متهم به دروغگویی می‌کند و در میتینگ انتخاباتی حسن روحانی در سال ۹۶، درباره رأی دادن می‌گوید: «۵میلیون شرکت‌کننده یا ۵۰میلیون بازهم صداوسیما اعلام می‌کند که یک حماسه رخ داده است.»

این کارگردان چند روز پیش هم اعلام کرد: «سال‌هاست تلویزیون جمهوری اسلامی را نگاه نمی‌کنم». حال اگر مدیران صداوسیما به عنوان رسانه ملی بخواهند چشمانشان را به روی همه اظهارات او ببندند، آیا حاضرند نسبت به سخنان ضدملی این کارگردان هم ساکت باشند؟!

صداوسیما در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از انتشار بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری باید میان الگوهای قدیمی و نخ‌نمایی چون به کارگیری کارگردانان ورشکسته سینما و تکیه بر اسم‌هایی که حتی در سینمای تجاری نیز حرفی برای گفتن ندارند، فرصت حضور و فعالیت در سینما را به جوانان باانگیزه‌ای دهد که نه مانند پوراحمد از ۴۰ سال گذشته ناراحتند و نه آنقدر از سینما دور شده‌اند که منتقدان حتی حاضر نباشند نام فیلم‌های آنها را بر زبان بیاورند.